

علی فرخی
کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد
Farrokhiali1973@yahoo.com
امیر اکبری
استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد
Amirakbari84@yahoo.com

بررسی میل، مناره‌های خراسان

(با تکیه بر نقش سازه‌ای و محتوای کتیبه‌های آن‌ها)

چکیده:

آثار تاریخی خراسان همچون سابقه دیرینه‌اش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند که در ارائه خدمات به کاروانیان در همه دوره‌های تاریخی بخصوص در دوره قبل و پس از اسلام پیشتاز بوده است.

معماری میل‌ها و مناره‌های خراسان هم مثل سایر بناها در رفع نیازها و بهره‌مندی جهت ارائه خدمات به مسافران و کاروانیان از تکامل و تزئینات خوبی برخوردار شدند. میل‌ها و مناره‌های تاریخی هم در کنار بناهای عام المنفعه جهت روشن نمودن چراغ یا آتش بر فراز بناها برای راهنمایی در شب ساخته شدند. معماری این بناها در دوره‌های اسلامی از نظر شکل، مصالح به شکوفایی قابل توجهی رسید. به گونه‌ای که در این بناها خط کوفی جلوه‌گر شد و با نوشتن جملات شهادتین «لا اله الا الله» و «محمد ان رسول الله» بر دیواره میل‌ها و مناره‌ها پرچم اسلام را در جای جای خراسان برافراشته ساختند که هنوز هم مورد استفاده سرزمین اسلامی می‌باشند.

میل ایاز، مناره خسروگرد، مناره پامنا، میل کرات، مناره فیروزآباد در خراسان از جمله بناهایی هستند که در این مقاله از نظر معماری و تزئینات وابسته به معماری و محتوای و مضامین کتیبه‌های موجود مورد بررسی قرار می‌گیرند. با بررسی انجام شده می‌بینیم که همه بناهای یاد شده جدای از ارائه خدمات یک نکته را گوش زد می‌نمایند آن هم یکتا پرستی است.

کلید واژه‌ها: میل، مناره، راه، کاروان، خراسان، مضامین، کتیبه.

مقدمه

«منار» یا «مناره» به معنی «جای نور» و «نار» و «جای بلند» است که در کنار مساجد و بقاع متبرکه قرار می‌گرفت و جهت اذان‌گویی و یا به عنوان میل راهنما در کنار جاده‌ها، مساجد، کاروانسراها، مدارس و دارالضیافه‌ها احداث می‌گردید. این سازه به علت روشن نمودن چراغ یا آتش بر فراز آن، جهت راهنمایی در شب به «مناره» یا «محل نور» مرسوم شد.^۲ با توجه به تعاریف یاد شده می‌توان گفت: «مناره‌ها» نشانگر وجود آتشکده‌ها و آتشگاه‌های بزرگ بوده‌اند که به آن «میل» نیز می‌گفتند، مانند: میل نورآباد، میل فیروزآباد.^۳ در این خصوص همواره این سؤال مطرح بوده است که مسلمین مناره را از چه قومی اقتباس نموده‌اند؟

کورت فریشلر می‌نویسد: «چون مسلمان‌ها با رومی‌ها یعنی «روم صغیر» تماس داشتند، (پس) می‌توان گفت که ساختن «منار» یا «گلدسته» را از روم صغیر فرا گرفتند»^۴ وی در جای دیگری گفته است: «منارات از علایم معابد مجوس و یا آتش پرستان می‌باشد که مسلمین بعد از فتح بلاد عجم (ایران) آنها را برای معابد خود اول بار در کوفه به کار بردند».^۵ برخی از پژوهشگران بر این باورند که: «مسلمانان بعد از فتح بلاد عجم مناره را به تقلید و تبعیت از معابد و آتشکده‌هایی که دارای مناره بودند، در مساجد ساختند».^۶ «مؤذنه‌هایی که در ایران و هند است، از روی شکل برج‌هایی ساخته شد که برای دیدبان‌ها و نگهبانان در هر شهری می‌ساخته‌اند».^۷

در دوره اسلامی احداث مناره گسترش بیشتری یافت.^۸ به ویژه در زمان خلافت امویان،^۹ مثل مناره مسجد جامع دمشق.^{۱۰} از اولین مناره‌های اسلامی می‌توان مناره «مسجد ابودلف» در سامرا از اواسط قرن ۳ هـ^{۱۱} مناره «شوش»، مناره «تاری خانه دامغان»، مناره «میدان کهن قم»، مناره «مسجد جورجیر اصفهان»، مناره «مسجد فهرج» اشاره کرد. مصالح عمومی مناره‌ها در قرون اولیه خشت بود.^{۱۲}

کهن‌ترین مناره آجری خراسان

کهن‌ترین مناره آجری خراسان، مناره «ایاز یا میل ارسلان جاذب» از آثار دوره غزنویان می‌باشد.^{۱۳} مناره‌ها به لحاظ معماری از سه قسمت اصلی؛ «پایه»، «ساقه» یا «بدنه و کلاهک» یا «تاج» و بخش‌های فرعی مانند «پلکان» و «نورگیر» تشکیل می‌شوند،^{۱۴} مناره‌ها قبل از اسلام به

صورت مربع مکعبی شکل بوده‌اند که در دوران اسلامی کمی تحول پیدا کرده، در پایین ساقه، مکعبی و بالای آن مدور حلزونی شکل شده‌اند.^{۱۵} مثل «مناره مسجد سامره» که شباهت زیادی به «برج آتش فیروزآباد» دارد. به عقیده بعضی از مورخان این مناره یادآور زیگورات‌های سابق بین النهرین است.^{۱۶} واژه برج و قلعه،^{۱۷} در لغت به معنای مکان و بنای بلند و غیر قابل دسترس،^{۱۸} محفوظ و مطمئن،^{۱۹} دژ دفاعی^{۲۰} و غیر قابل نفوذ،^{۲۱} قصر،^{۲۲} کاخ بلند و محکم و استوار است.^{۲۳}

براساس کاوش‌های باستان شناسان، کاربرد «برج» به عنوان عاملی تقویتی و دفاعی به دوران شکل‌گیری شهرنشینی در فلات ایران برمی‌گردد. از آن پس همواره در معماری زیستگاه‌های انسانی به آن توجه شده است. کاوش‌های به عمل آمده در غرب ایران (هزاره سوم ق.م) نشان می‌دهد که باروهای نخستین زیستگاه‌های انسانی در این سرزمین بدون برج بوده است،^{۲۴} و مصالح این بناها بر حسب شرایط اقلیم متغیر بوده‌اند.^{۲۵} تاریخ بنای بسیاری از این استحکامات به دوره ساسانیان یا حتی قبل از آن باز می‌گردد. برخی از این بناها در سده‌های نخستین یا میانه اسلامی ویران شده؛ اما شماری از آنها برجای مانده و در ساختن بناهای مشابه، الگوی مسلمانان قرار گرفته‌اند. «یاقوت حموی»^{۲۶} شمار قلعه‌های فارس را بیش از پنج هزار نوشته که سابقه تعدادی از آنها به قبل از اسلام می‌رسید.

برج‌های ایران، گاه به صورت حصاری استوانه‌ای و مستقل در نزدیکی دیوار شهرها یا قلاع قرار داشته و گاه نیز متصل به استحکامات قلعه ساخته می‌شده‌اند. اغلب آنها مزغل‌هایی^{۲۷} برای تیراندازی داشته‌اند. از جمله کهن‌ترین قهندژهای ایران می‌توان به قهندژهای بلخ، بخارا، سمرقند، مرو و نیشابور اشاره کرد.

در دو سوی در ورودی کاروانسراها نیز برای دیده‌بانی و مراقبت، برج‌هایی ساخته می‌شده است. گاه به کبوترخانه‌ها نیز «برج کبوتر» می‌گفته‌اند، چنانکه برخی از مقبره‌ها نیز به «میل» یا «برج» شهرت یافته‌اند. شماری از میل‌ها را که برای برافروختن آتش بر فراز آنها و راهنمایی گمشدگان می‌ساخته‌اند، نیز برج می‌خوانده‌اند.

اشکال مناره

به طور کلی مناره‌ها به اشکال استوانه‌ای، مخروطی و چند ضلعی ساخته شده‌اند^{۲۸} و در فلات ایران بیشتر مناره‌های ایرانی استوانه‌ای شکل و با اشکال هندسی^{۲۹} شبیه منشور می‌باشند (مانند مناره: مسجد نائین) که جلوه‌گاه مجموعه‌ای از هنرهای تزئینی مانند: خطاطی، کاشی کاری، آجر کاری، مقرنس کاری و نقوش هندسی‌اند. مناره‌های مسجد گوهرشاد مشهد، مسجد شاه اصفهان، مدرسه مادرشاه اصفهان و مدرسه سپهسالار تهران از آن جمله‌اند.^{۳۰} مناره‌ها در آغاز به صورت منفرد و در مجاورت مساجد ساخته می‌شدند، که از دوره سلجوقی به بعد تدریجاً به صورت زوج بر سردر ورودی و یا برای وان اصلی احداث گردیدند (مانند: مسجد جامع اصفهان، مدرسه دومنار گلشن طیس).^{۳۱} «مناره‌ها» یکی دیگر از فضاهای معماری‌اند که مناسب برای کتیبه‌نگاری می‌باشند. در مجموع مناره‌ها برای استفاده‌های مذهبی، راهنمای راه‌ها و به عنوان نمادی از پیروزی کاربرد داشتند؛ انواع مناره‌ها به شرح ذیل‌اند:

الف) مناره مذهبی: ظاهراً ایرانیان ساختن این قبیل مناره‌ها را از ستون‌هایی که در ادوار تاریخی خیلی قدیم، برای پرستش آفتاب (مهر پرستی) در فلات ایران می‌ساخته‌اند، وام گرفته‌اند. این مناره‌ها بعدها در کنار آتشگاه‌ها و در دوران اسلامی در کنار مساجد ساخته شدند به آن‌ها مودنه می‌گفتند.^{۳۲}

ب) میل راهنما: برای جهت یابی و هدایت مسافران در شب، چه در دریا و چه در صحرا کاربرد داشته‌اند.

ج) سمبل پیروزی: عموماً کله مناره‌هایی بودند که بازگویی اعمال جنایت کارانه‌ی حکام دوره مغول، تیموری و یا افشاری بودند.^{۳۳}

۱. مناره یا میل ایاز

این مناره نام خود را از «ایاز» - امیرطوس - وام گرفته، چون در زمان او ساخته شده است.^{۳۴} می‌گویند سلطان محمود او (ایاز) را به جانشینی ارسلان جاذب گمارده بود.^{۳۵} به گونه‌ای که یکی از پسران ارسلان به نام سلیمان، در زمره فرماندهان سپاه سلطان مسعود بود و سرانجام در اواخر حکومت او به سلجوقیان پیوست.^{۳۶} ایاز غلام خاص، محبوب و مورد توجه فوق العاده سلطان و از

امرای متنفذ دربار محمود محسوب می‌شد.^{۳۷} به شهادت تاریخ، ایاز در اواخر عمر در حدود مکران و قصدار رحل اقامت افکنده و به قول بعضی قبرش در لاهور پاکستان است.^{۳۸} بیهقی می‌نویسد: خواهر ایاز، زن یکی از عمال دیوان غزنوی بوده است.^{۳۹} در مقدمه شاهنامه آمده است: بعدازمدتی سلطان را برصوب تکین آباد عبور افتاد. فردوسی ملازم بود، مواکب سلطانی بیرون دروازه مخیم ساخته. آن خواب فردوسی را بیاد آمد و با ایاز به عالم سربگفت و او گفت که در آن جا عمارتی سازند. و در این مجلس سلطان به شعراء اشارت فرمود که رباعی در صفت خط و زلف ایاز بگویند ایشان اشارت به فردوسی کردند.^{۴۰}

نگارنده‌گان کاروانسراهای خراسان می‌نویسند «ارسلان جاذب والی و سپهدار توس در دوره غزنویان در میانه سنگ بست کاروانسرای بزرگ ساخت و دو مناره بلند جهت راهنمایی و هدایت کاروانیان در کنار آن ایجاد کرد».^{۴۱} ظاهراً این مناره جزئی از کهن‌ترین بنایی بوده که در سنگ-بست توسط ارسلان جاذب ساخته شده^{۴۲} که بلند پروازی انتقال یافته از سامانیان به غزنویان را وصف می‌کند.^{۴۳} مناره ایاز دارای 40 متر بلندی و حدود 100 پله برای صعود و قطر آن در پایین حدود 5/5 متر و در بالا 2/5 متر می‌باشد. شواهد نشان می‌دهد که این مناره همتایی نیز داشته که در دو طرف ورودی رباط قد برافراشته بودند. اما امروز فقط یکی از آنها برجای مانده است.

مضامین کتیبه‌های مناره (میل) ایاز

درباره کاربری مناره ایاز باید گفت: این دو مناره علاوه بر جنبه زیبایی و راهنمایی مسافران، وظیفه‌ی جایگاه دیده‌بانی را نیز انجام می‌داده‌اند. اطراف بالای مناره نوشته‌ای از آجر با خط کوفی دیده می‌شود. که این مناره را با داشتن سبک معماری ویژه مورد توجه قرار می‌دهد. کتیبه‌های مناره به خط کوفی و با آجر ساخته شده‌اند که زیبایی خاصی به بنا داده‌اند. سوردل فرانسوی در بازدید سال 1352 هـ. از بناهای سنگ بست ضمن بررسی نقطه نظرات هرتسفلد، ارنست دیز^{۴۴} و مکس ون برشم^{۴۵} می‌نویسد:

اولین کتیبه‌ی این مناره به بلندای 20 متر از آجر است، با شکلی کاملاً کلاسیک از دوران سلجوقی که در خراسان ظاهر می‌شود. قسمت دوم از جایی شروع می‌شود که زیر بالکنی که هم اکنون نابود شده، قرار گرفته و کونسول‌هایی تخریب شده گواه این کتیبه‌هاست. این کتیبه‌ها به

صورت سربندهایی تزئینی از آجر هستند. گنبد از یک سالن مکعبی به سبک کوفه ساخته شده با دیوارهای آجری که از داخل پوشش داده شده‌اند و بالای استوانه‌ای هشت ضلعی قرار گرفته‌اند، که در اصل گالری این کتیبه‌ها را می‌پوشاند. در داخل یک سری تاق‌ها و طاقچه‌های زاویه‌دار و گنبدی از جنس آجر وجود دارند، که از آنها محافظت می‌کنند. دو سربند اصلی مربوط به کتیبه‌ها از داخل آنها را نگه می‌دارند. و مناره را احاطه کرده‌اند. این اتصال مربوط به این دیوارها در گنبد به صورت هندی ادامه می‌یابد، که به صورت خط‌هایی زیگزاگی به سادگی طراحی شده‌اند و در پوششی از گچ تزئینی دیوارها قرار دارند که هنوز هم اضافه می‌شوند. اما با ارزش کمتر و طبق برخی کتاب‌ها به دلیل مرتب کردن و آنکارا کردن تاق‌هایی که دارای چهار عمق و ریشه هستند و نیز برای تاقچه‌های کاذب، پیچیده روی سری گوشه‌های دیگر این عمل را انجام می‌دهند. نوشته‌های روی آجرهای مناره در تراش‌های متنوع و متفاوت و در برجسته کاری روی یک آجر چینی رایج آن زمان دیده می‌شود.

الف) درباره متن این کتیبه گفته‌اند: «بسمله و من أحسن قولاً ممن دعا الی الله و عمل صالحاً و قال اننی من المسلمین^{۴۶} عمل احمد السرخسی». یعنی؛ به نام خداوند بخشنده و مهربان. کیست خوش سخن‌تر از کسی که (مردم را) به سوی خداوند دعوت کند و (خود نیز) عمل شایسته انجام دهد و بگوید: «من از مسلمانان هستم»^{۴۷}؟ (اثر احمد- سرخسی).^{۴۸}

مضامین این آیه به نکات زیر اشاره دارد: وظیفه‌ی مردم آن است که از میان گویندگان دنبال کسی باشند که روحش تسلیم خدا و عملش صالح و دعوتش به راه خدا باشد. تبلیغ دین، بهترین سخن است و بهترین سخنگوی هستی انبیا هستند. بهترین سخن آن نیست که علمی‌تر و خوش‌آهنگ‌تر باشد بلکه آن است که مردم را به خدا دعوت کند و با هدف باشد. سخنی ارزش دارد که گوینده‌ی آن اهل عمل باشد. دعوتی ارزش دارد که علاوه بر عمل، نشاط تسلیم و رضا را به همراه داشته باشد.^{۴۹} نیز مضامین این آیه دلالت دارد بر این که دعوت بسوی دین از بزرگ‌ترین عبادات و واجب‌ترین واجبات است، و دعوت کننده به سوی خدا باید به علم خود عمل کند، تا مردم زودتر از او بپذیرند، و به گفتارش بیشتر اعتماد کنند. چون این آیه استفهام انکاری دارد^{۵۰} و منظور از آن نفی است و تقدیرش چنین است، هیچ کس خوش سخن‌تر از کسی که مردم را به سوی طاعت الهی

دعوت می‌کند نمی‌باشد، و اضافه نموده است که داعی بسوی خدا عمل نیک هم انجام دهد. یعنی: من از تسلیم شدگان هستم که تسلیم و منقاد فرمان الهی می‌باشم.

بعد اخلاقی متن کتیبه نشان از توجه ویژه هنرمند با اصالت سرخسی در راه توقفگاه کاروانسرای سنگ بست دارد که در آن به توصیف و بهره‌مندی از آیات قرآنی در کتیبه‌های صدر اسلام به ویژه در معماری غزنوی سنگ‌بست پرداخته است. و از طرفی زمانی را نشان می‌دهد که در پرستش خدا هیچ شکی نبوده است.^{۵۱}

ب) در انتهای فوقانی مناره کتیبه‌ای آجری به خط کوفی قرار دارد که متن آن «**لااله الا الله**» است.^{۵۲} یعنی پایان دادن حکومت هوای نفس در وجود، پاک کردن تمام ردایل اخلاقی از صفحه نفس، آراسته شدن به حسنات اخلاقی، خلوص و پاکی، بصیرت و بینایی، هم چون انبیا با تمام طاغوت‌ها تا ریشه کن کردن آنان مبارزه کردن، ریشه تمام گناهان را از سرزمین وجود خویش در آوردن و به جای آن نهال عمل صالح کاشتن.^{۵۳} (تصویر شم)

امام صادق (ع) فرمودند: گفتن «**لااله الا الله**» بهای بهشت است.^{۵۴} و امام رضا (ع) در حدیث قدسی نقل کرده‌اند: **کلمه‌ی توحید، دژ مستحکم الهی است.**^{۵۵} توحید، مایه نجات و رستگاری انسان است. اعتقاد به توحید، همه‌ی قدرت‌ها و جاذبه‌ها را در چشم انسان کوچک و حقیر می‌کند.^{۵۶} بنابراین لازم است مسلمانان هر روز و در هر جا با صدای بلند، اذان بگویند و فریاد آزادی از بندگی خدایان دروغین و طاغوت‌ها را سر دهند. و گوش نوزادان خود را قبل از هر صدایی، با طنین توحید «**لااله الا الله**» آشنا سازند.

نوشته‌های مناره سنگ‌بست یادآور اطاعت و اسلام، نشان از اعتقاد به بازگشت همه به سوی خداوند است. و این جهت‌یابی در آرامگاه حس و حالت مرگ یا بازگشت به خدا را نشان می‌دهد. که حسی فرا بشری در مسلمانان است و در دو آیه متفاوت است که می‌توان در کتیبه مشاهده کرد، اقدامی از سوی یک معتقد و ایمان آورنده به خدا و روز قیامت است و به خصوصیات مسلمانان تکیه داشته است.^{۵۷} هم عصری دو بنا (مناره و سالن گنبدی در یک مجموعه) که تا به امروز حفظ شده است، قابل مشاهده است. شاید به خاطر مصالح به کار رفته در آن‌ها، و یا از طرف دیگر از مدل‌های ساختاری و تزئینی استفاده شده، که قابل‌قیاس با اشکال مرتبط با سربندهای تزئینی مناره هستند.

برخی از این مستندات برای تصمیمی قطعی ما را تشویق می‌کنند. تا درباره بناهای کتیبه‌دار غنی ایرانی و در جایگاه ممتاز شان اطلاعات بیشتری به دست بیاوریم. تا با روشی معمول و مقایسه‌ای سبک شناسی، نزدیک‌ترین و مشابه‌ترین کتیبه‌های استفاده شده در سایر بناها که به کتیبه‌های سنگ بست شبیه است را یافته و درباره اشان مطالعاتی داشته باشیم. از این گونه کتیبه‌ها، مناره‌های «دولت آباد» در سال 502 تا 9-1108، «ساوه» در 503 تا 1109-11 و «بسطام» در 1120-514 را می‌توان یافت.

به این ترتیب برخی از این تحولات و تغییرات را باید یاد آور شد، و باید دانست که برخوردها و آداب مردم عرب با آنچه ایرانیان در شرق داشتند متفاوت بوده است.

2. مناره فیروزآباد

فیروزآباد، در 14 کیلومتری جنوب شرقی شهر بردسکن قرار دارد، در آن‌جا مناره‌ای آجری به ارتفاع 18 متر احداث شده که متعلق به سده هفتم هـ.ق است. در نزدیکی آبادی، تپه‌ای قدیمی با آثار و اشیاء عتیقه کشف شده وجود دارد،^{۵۸} که قابل بررسی است. همه سطح این مناره که با پلان دایره اجراء شده، دارای تزئینات آجرکاری و آجر تراش می‌باشد که با گچ تلفیق شده است. این بنا بر روی سکویی به ارتفاع حدود 60 سانتی متر به صورت دایره‌ای ساخته شده، لبه این سکو با آجرهایی به صورت هرّه کار شده، و آجرهای زیر آن رگ چین است. از پایین بنا تا ارتفاع حدود 6 متر از تلفیق گچ و آجر استفاده شده است، و بندکشی بین آجرها در قسمت‌های عمودی با گچ مه‌ری تزئینی یافته، این نقش که شکلی هندسی دارد در بیشتر قسمت‌ها تخریب شده و در قسمت اندکی از آن این نوع تزئین باقی مانده است.^{۵۹} (تصویر شم).

کتیبه‌های فیروزآباد، این بنا دارای دو کتیبه است یکی به صورت دوار در ارتفاع 6 متری و دیگری حدوداً وسط مناره در ضلع جنوبی قرار گرفته و به خط کوفی و به صورت عمودی است. مضامین آنها آیات قرآنی، تاریخ بنیان اثر و نام بانی آن می‌باشد. سبک معماری و کتیبه‌های این مناره شباهت زیادی به برج و مقبره «ارسلان جاذب» در سنگ بست دارد.^{۶۰}

الف) در بین دو قرنیز آجر تراش در ابتدای آجر چینی‌های عمودی یک کتیبه به خط کوفی با آجر تراش ساخته شده، که زمان ساخت بنا را نشان می‌دهد. که متن آن احتمالاً چنین است: «بسم

الله الرحمن الرحيم. شهد الله أنه لا إله إلا هو.^{۶۱} اشهدان محمد.. صلی الله علیه» (تصویر شم).

مضامین آن اشاره دارد به: شهادت عملی که از بهترین نوع شهادت است. هماهنگی در میان آفریده‌ها، بهترین نمونه‌ی گواهی بر یکتایی خداست. راه ایمان به خدا، علم است و علم واقعی، انسان را با سرچشمه هستی آشنا می‌کند. دانشمندان، در کنار فرشتگان قرار می‌گیرند. عدل الهی، در کنار توحید مطرح است. بر خلاف دیگر قدرتمندان که هر کجا احساس یکتایی و نداشتن رقیب و شریک کنند، زور می‌گویند، او یکتایی است که به پا دارنده‌ی عدل است.^{۶۲} این کتیبه نمادی از مسلمانی را به نمایش گذاشته و به کارگیری شهادتین را در بناها رسمیت داده و آن را از درون دل‌ها، خانه‌ها و مجالس به بیرون کشیده به صورت یک تابلویی جاوید در معرض دید عموم و رهگذران قرار داده است. در بالای حروف کتیبه نقوش گیاهی زیبایی با آجر تراش ایجاد گردیده است. قرنیزهای بالا و پایین این کتیبه که مانند یک حاشیه کتیبه را در میان گرفته‌اند نیز با آجر تراش اجرا شده‌اند که در آن‌ها نقوش دایره‌ای دیده می‌شود.

ب) کتیبه دیگر بر سطح میل با آجرکاری خفته راسته جناغی نگاشته شده است. این طرح پس از هفت ردیف آجر راسته تغییر می‌کند و در ادامه کار، آجرهای خفته راسته به صورتی است که طرح-های لوزی ایجاد کرده‌اند. در میان این آجرکاری‌ها و در سمت غرب بنا یک کتیبه به صورت عمودی بر روی میل با آجر تراش نقش شده است. پس از آن، یک قرنیز دیگر به چشم می‌خورد که مانند حاشیه‌های کتیبه پایین میل است، با این تفاوت که در این قسمت همان نقش در دو ردیف اجرا شده است. متن کتیبه آن را چنین می‌توان خواند: «شهدالله لا اله الا الله بسم الله». (تصویر شم).

بخشی از کتیبه به نام خدای بخشاینده مهربان، به نام ایزد صاحب رحمت عام و رحمت خاص^{۶۴} است که در آغاز هر کاری به زبان آورده می‌شود. و بخش دیگر آن گواهی دادن بر این که خدایی جز خدای یکتا نیست. کلمه «الله» نام ذات مقدس الهی است. «لا إله إلا الله» اولین صفحه شناسنامه‌ی هر مسلمان است.^{۶۵} هر کس خالصانه شعار توحید سر دهد، وارد بهشت می‌شود و نشان اخلاص او آن است که گفتن «لا اله الا الله» وی را از حرام‌های الهی دور سازد.^{۶۶} امام صادق (ع) در این باره فرمودند: گفتن «لا اله الا اله» بهای بهشت است.^{۶۷} کلمه توحید، دژ مستحکم

الهی^{۶۸} و نجات دهنده است. اعتقاد به توحید، همه قدرت‌ها و جاذبه‌ها را در چشم انسان کوچک و حقیر می‌کند.^{۶۹}

3. مناره (مسجد پامنار) سبزوار

«پامنار» نام چند مسجد و محله در کنار مناره (گلدسته مسجد) می‌باشد. پامنار تهران،^{۷۰} پامنار رامشه اصفهان، پامنار سمنان، پامنار کاشان، پامنار کرمان.^{۷۱} پامنار زواره (که در 380 هـ به دستور عبدالله بن کمال الدین ابراهیم بنا شده است)، پامنار قم و پامنار سبزوار معروف‌ترین مسجدها و محله‌هایی می‌باشند که در ایران پامنار نام گرفته‌اند.

محله پامنار در مرکز شهر سبزوار در کنار مسجدی به همین نام در خیابان بیهق سبزوار واقع شده است. این مسجد به سال 266 هـ ق در زمان خلافت المعتضد بالله عباسی و به هنگام امارت امیراحمد بن عبدالله خجستانی در خراسان بنا^{۷۲} و در 331 هـ ق به وسیله «امیر ابوالفضل زیاری» بازسازی شده است،^{۷۳} بعدها پادشاه بلغار^{۷۴} به سال 415 هـ ق برای هزینه‌های آن اموالی از بلغار به بیهق فرستاده است.^{۷۵} این مسجد تا زمان تاسیس مسجد جامع سبزوار به سال 632 هـ ق مسجد جامع شهر بود.^{۷۶} با توجه به تاریخ بیهق، مسجد آدینه بیهق را در عصر معتمد عباسی (هم زمان با تاسیس مسجد جامع قم) در سده سوم هـ ق، از چوب ساخته‌اند و با عنایت به این که ساختمان مسجد پامنار در حال حاضر با طاق‌های ضربی ساخته شده و چوب در آن مصرف نشده است، این احتمال می‌رود که مسجد قدیمی‌تر که از تیره چوب ساخته شده بود، به کلی ویران شده است.^{۷۷} در ثانی، منار آن که به سال 420 هـ ق. به وسیله «خواجه ابونعیم احمد بن علی» ساخته شده بود - 24 سال بعد در اثر زلزله عظیمی که در بیهق و قومس آمده بود- ویران شد. لذا باید بعدها ساختمان فعلی را به جای آن بنا کرده باشند.^{۷۸} برخی محققان نوشته‌اند: در سال 444 هـ ق این مناره دوباره سازی شده است. و بلندی آن 23 متر است و حدود هزار سال عمر دارد.^{۷۹} مساحت این مسجد حدود 934 مترمربع و دارای مناره‌ای به ارتفاع 15 متر است،^{۸۰} که هم‌چون منارجنبان اصفهان، می‌جنبند و تکان می‌خورند.^{۸۱} (تصویر شم).

کتیبه بنا، در بالای مناره مسجد پامنار کتیبه‌ای آجری به خط کوفی وجود دارد.^{۸۲} در نیمه اول سده حاضر به همت «سیدیحیی نظام زاده»، فرزند «نظام‌العلمای سبزواری»، تعمیراتی بر روی آن

به عمل آمده و قرائت خانه و کتابخانه‌ای نیز در آن احداث شده است.^{۸۳} نوشته کتیبه مناره مسجد پامنار سبزوار این گونه است: (تصویر شم).

«بسم الله الرحمن الرحيم، محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین». یاد خداوند در نوشته

متن کتیبه، نشان از پذیرش قطعی اعتقاد به اسلام از سوی ایرانیان و خراسانیان به ویژه در سبزوار در سده‌های اولیه یا همان سده‌های چهارم و پنجم هجری دارد. از همه مهم‌تر این که قید بی شرط اسامی پنج تن آل عبا نشان محکمی به شیعه بودن مردم این سرزمین است. که توانسته‌اند نمادهایی از مذهب شیعه را در بناها رسمیت بدهند و در معرض عمومی به نمایش بگذارند.

ترکیب کلمات، الله، محمد(ص)، علی(ع)، فاطمه(س)، حسن(ع)، حسین(ع) در این گونه نمونه‌ها انعکاس دهنده اعتقادات مسلمانان شیعه می‌باشد و روشن می‌سازد هر آن کس به عشق خداوند معتقد باشد می‌بایست به پیامبر(ص)، امام علی(ع)، امامان حسن(ع) و حسین(ع) نیز اعتقاد داشته باشد.^{۸۴} در کتیبه مسجد پامنار یا مناره پامنار سبزوار هنرمند سعی کرده است که ارزش و والایی پنج تن آل عبا را به عنوان یاوران محترم دین خداوند به نمایش در آورد. همچنین او تلاش کرده است که بیان کند پنج تن آل عبا دانش کافی در رابطه با اسلام دارند. آنها قابل ستایش‌اند و از ما به عنوان مسلمان انتظار می‌رود که آنها را دوست داشته و ستایش کنیم.^{۸۵} رابطه اسم با مسما به طور کلی یکی از مباحث ظریف در معرفت‌شناسی دینی است که بر این بحث، شواهد بسیاری در روایات معصومان (ع) یافت می‌شود. این رابطه کلی بین اسم و مسما، در مورد اسامی معصومان چشم‌گیرتر بوده، به ویژه در مورد برخی از معصومان غیر قابل انکار است. تا حدی که این اسامی نه تنها با مسمای خود رابطه‌ای تنگاتنگ دارند، بلکه در زبان‌های مختلف، همان معنا با واژه‌ای مشابه ذکر شده که همه این نام‌گذاری‌ها ریشه و حیانی الهی دارند.

بنابر عقیده اسلامی، به ویژه شیعی، این اسامی حتی قبل از تولد این پنج تن نیز به عنوان اسامی انسان‌های برگزیده مطرح بوده و پیش‌گویی شده است، بلکه طبق نظر برخی علما، این ذوات نه تنها به عنوان یک نام، بلکه به عنوان یک نور از گذشته بوده‌اند و بسیاری از انبیا به حرمت این اسامی از خداوند طلب استمداد و رحمت نموده‌اند.^{۸۶} سپس این ذوات مقدس پا به عرصه دنیا گذاشته و طبق نامگذاری الهی به این اسامی نامیده شده‌اند. رابطه بین لفظ و معنا در این اسامی نشان می-

دهد که این اسامی دقیقاً بازگو کننده مقام و منزلت خاص مسمای خود در عالم وجود هستند، و طبق برخی روایات اسلامی این اسامی از نامهای مقدس خدا مشتق و جدا شده‌اند، هم‌چنان که خود این ذوات هم از نور خدا مشتق شده‌اند. روایات مشهوری در این باره وجود دارد که تصریح در این مدعا دارد؛ از جمله:

«از امام صادق(ع) نقل شده است که خداوند بود و هیچ چیز جز خدا نبود، آن گاه پنج تن را از نور جلال خود آفرید و برای هر کدام از آنها اسمی از اسمای خود گذاشت: پس خدا حمید بود و نام پیامبر را محمد گذاشت، اعلی بود و نام امیر المؤمنین را علی گذاشت. دارای اسمای حسنا بود، پس اسم حسن و حسین را از آن مشتق کرد، فاطر بود، پس اسمی از اسمای خود را برای فاطمه مشتق کرد...»^{۸۷}

نمای خارجی بنای مسجد پامنار دارای تزئینات آجری است، که این تزئین در مناره آجری زیبایی آن نیز به چشم می‌خورد. در نمای جنوبی و بخشی از نمای شرقی مسجد آجرکاری به صورت رگ چین دیده می‌شود که قسمت رخ بام آن دارای آجرکاری به صورت هره می‌باشد. پشت بغل قوس های این بنا(در و پنجره‌دار) دارای آجرکاری خفته راسته می‌باشد. در مناره آجری مسجد، آجرکاری و کتیبه آجرتراش و کاشی صابونکی بین آجرها وجود دارد و در این مناره از شیوه‌های مختلف آجرکاری استفاده شده^{۸۸} که به صورت نوارهای مجزا و با اندازه‌های متفاوت کار شده است، در نوار پایینی آجرکاری به شیوه خفته راسته انجام شده که تک کاشی‌های صابونکی فیروزه‌ای و لاجوردی در میان آن‌ها به کار رفته است. در بالای آن کتیبه آجرتراش وجود دارد که آجرهای نقش‌دار (قالبی) به تعداد پنج رگ با نقوش هندسی به صورت حاشیه در بالا و پایین آن کار شده و نوار بالاتر دارای آجرکاری به صورت خفته راسته می‌باشد. و قسمت بالائی آن کمی برجسته‌تر کار شده است. در نوار بعدی آجرکاری به صورت جناقی (خفته راسته) وجود دارد و در قسمت‌های بعدی تا بالای مناره نیز مجدداً به صورت خفته راسته و رگ چین از آجر استفاده شده است.

در نمای ایوان ورودی و اسپر این ایوان از تزئین کاشی‌کاری استفاده شده است. این تزئین با کاشی‌های هفت‌رنگ انجام شده و بیشتر شامل نوارهای کتیبه‌ای است که در نمای ایوان و لبه پخ ایوان و هم‌چنین در اسپر ایوان (به صورت یک نوار در اطراف در و پنجره موجود در اسپر) ایجاد شده. در پشت‌بغل قوس ایوان ورودی هم‌چنین در پائین نوار کتیبه‌های نما و لبه پخ ایوان نیز با

کاشی‌های هفت رنگ دارای نقوش اسلیمی، گیاهی و ختائی، تزیین شده‌اند. مهم‌ترین آسیب وارده به آجرکاری‌های بنا مربوط به نمای جنوبی مسجد می‌باشد. در این بخش به دلیل مشکلات سازه‌ای شاهد ایجاد فاصله بین آجرکاری‌ها هستیم که در صورت عدم توجه، ریختن و از بین رفتن سازه و تزیینات را به دنبال خواهد داشت.

4. میل مناره خسروگرد (خسروگرد)

به فاصله 10 کیلومتری جاده سبزوار- شاهرود در کناره راه، بنایی به نام میل «خسروگرد» چشم هر رهگذری را به تماشای خود فرا می‌خواند. این بنا با پلان مربع شکل و ساقه مدور با تزیینات آجرکاری خفته و راسته به شکل لوزی، به همراه دو رشته کتیبه کوفی آجری احداث گردیده است. تا قبل از کاوش‌های باستان‌شناختی (تابستان ۱۳۸۱ هـ ش) مورخان و سیاحان چون؛ هانری رنه دالمانی،^{۸۹} عبدالحمید مولوی،^{۹۰} اعتمادالسلطنه^{۹۱} میل خسروگرد را تنها باز مانده از مسجد عظیم شهر خسروگرد می‌دانستند که در آن زمان حاکم نشین منطقه بیهق بوده است. لیکن داده‌های باستان‌شناختی حاصله از کاوش‌های علمی اطراف میل ثابت کرد که این میل مناره مسجد نبوده، بلکه «میل راهیابی» است. که از آن به عنوان محل روشن کردن آتش در شب و برای راهیابی استفاده می‌کرده‌اند. از میل‌های راهیابی در خراسان می‌توان از: «علی‌آباد کاشمر»، «برج رادکان» در چناران، «میل ایاز» در سنگ بست مشهد و میل «اخنگان» در توس مشهد نام برد.

خسروگرد معرب کلمه خسروگرد است؛ «گرد» در اصل «گرد» بوده، کرد مصدر مرخم از «کردن» است و کردن به معنی ساختن، پس خسروگرد یعنی: «خسرو ساخت»؛ یا ساخت خسرو می‌باشد و که خسرو نام عمومی پادشاهان ساسانی است. به دلیل نزدیکی این میل به روستای خسروگرد نام آن را میل خسروگرد گذاشته‌اند.^{۹۲} بیهقی می‌نویسد: سبزوار در اصل «ساسویه‌آباد» بوده و پسر ابن ساسویه یزد خسرو بود که خسروشیر جوین، خسرو آباد بیهق و خسروگرد را بنا کرده است،^{۹۳} و کیخسرو بعد از قتل افراسیاب^{۹۴} در این ناحیه قلعه‌ای ساخت که آن را خسروگرد خواندند.

برخی با توجه به شباهت نزدیک این مناره به دو مناره موجود در خارج شهر غزنین که به دستور سلطان «محمود غزنوی» ساخته شده است. تاریخ ساخت مناره را سال ۴۱۵ هـ ق دانسته و تاریخ مرمت آن را ۵۰۵ هـ ق ذکر می‌کنند.^{۹۵} «مشکوتی» گفته:

این مناره که جزء زیباترین مناره‌های تاریخی آغاز قرن 6 هجری است. در بدنه آجری آن دو رشته کتیبه کوفی و تزئینات لوزی شکل دیده می‌شود. تاریخ کتیبه این مناره، سال ۵۰۵ هـ ق را نشا می‌دهد.^{۹۶}

«فریزر» که در سال ۱۸۲۲ م از سبزوار دیدن کرده، می‌گوید: در آن‌جا مناره قدیمی دیگری نظیر مناره خسروگرد و یک مدرسه قدیمی که کتیبه عربی روی آن مبین این بود که آن را «فخرالدین» یا «فخرالدوله» نامی ساخته وجود دارد.^{۹۷} «اسمیت» به نقل از «خانیکف» و «هرتسفلد» از یک کتیبه ناخوانا در مناره سبزوار یاد کرده است.^{۹۸} «ناتانیل کرزن» گفته: مناره خسروگرد مناره تک و بلندی ست که ۱۰۰ پا ارتفاع دارد و طرح و نگاری بر سطح خارجی آن دیده می‌شود که تا رأس ادامه می‌یابد.^{۹۹} این بنا در سال ۱۱۳۵ هـ ق به دستور «نادرشاه افشار»^{۱۰۰} و در دوره «فتح علیشاه قاجار» به همت «علی یارخان»، حاکم خراسان مرمت و آباد شده است.^{۱۰۱} در سال ۱۳۰۰ هـ به دستور «ناصرالدین شاه قاجار»^{۱۰۲} و دوره پهلوی دوم و دولت جمهوری اسلامی ایران به سال ۱۳۷۵ هـ ش. عایق بندی بام سکو انجام شده و پایه میل مرمت گردیده است.

در این بنا از آجرهای تراش نیم دایره، نیم بیضی، مثلث به اشکال عدد هفت و هشت فارسی استفاده شده که اینگونه آجرتراش‌ها در حفاری‌های باستان شناسی شادیاخ نیشابور، رباط‌چاهه، رباط شرف و مسجد و مدرسه و ارگ توس در سال‌های ۱۳۷۵ ۱۳۷۸ ۱۳۷۹ ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ به دست آمده است.^{۱۰۳} این بنا با ملاط گل و مخلوط شیره آهک، ماسه بادی و خاک رس ساخته و از گچ در بند کشی‌های آن استفاده گردیده است. این میل شامل چهار بخش پایه، ساقه، سرپوش و راس است:

پایه میل سکوئی هشت ضلعی است که در ضلع شرقی و غربی این سکو ۶ پله آجری بالا رو به ارتفاع پای پله ۲۵ سانتی متر و کف پله ۳۵ سانتی متر قرار دارد. بام این سکو با آجرگری به ابعاد ۲۰×۱۰×۵ سانتی متر در سال ۱۳۷۵ کف پوشی گردیده است. تمامی نمای این بنا دارای آجرکاری ساده و آجرهای تراش و کتیبه آجری می‌باشد. آجر کاری در سکوی هشت ضلعی (مربعی با گوشه‌های پخ شده) این میل به صورت رگ چین و در قسمت رخبام آن به صورت هره‌کار شده است که در میان قاب‌های ایجاد شده در اضلاع بزرگ‌تر از آجرکاری به صورت خفته راسته استفاده گردیده است.

پایه میل حدوداً ۲۵۰ سانتی متر از سطح سکو ارتفاع دارد، و پلان آن تقریباً مربع و آجرهای این سکو به ابعاد ۲۵×۲۵×۵ سانتی متر با ملاط گل و مخلوطی از خاک رس، ماسه بادی، و شیره آهک به صورت خفته کار شده است، فاصله بین آجرها با ملاط گچ و ماسه بادی بندکشی شده است.

ساقه میل، در قسمت پایه میل نیز آجر کاری و به صورت رگ چین کار شده است. در قسمت ساقه میل که به صورت استوانه است و قطر آن به سمت راس کاهش می‌یابد، شاهد نوارهای مختلف و شیوه‌های مختلف هستیم که به 11 قسمت غیر مساوی تقسیم شده و در آنها آجرهای تراش به صورتهای مختلف به کار رفته‌اند. در این قسمت (ساقه میل) یک کتیبه آجری نیز به عرض تقریبی یک متر اجرا شده است که سال ساخت و نام بانی این میل را مشخص می‌نماید. در این 11 ردیف ذکر شده از شیوه‌های مختلف آجرکاری و آجر تراش برای تزئین استفاده گردیده است که وسیعترین آنها در چند ردیف تکرار شده است. و طرحی از لوزی‌های مختلف با آجرکاری خفته را ایجاد کرده است. در میان آنها آجر به صورت راسته کار شده و نمائی زیبا به میل داده است.

کتیبه بنا، الف) بر روی دیوار بنا کتیبه‌ای آجری وجود دارد که چنین خوانده می‌شود: «امرنا هذ المناره صاحب العجم مقبل الملك تاج الدوله ابوالقاسم بن السعيد ولی اميرالمومنين فی سنه خمسہ و خمسائه»^{۱۰۴} (تصویر شم). یعنی؛ دستور داد ساخت این مناره را صاحب العجم مقبل الملك تاج-الدوله ابوالقاسم پسر سعید ولی امیر المومنین، در سال 505.

«تاج الدوله» در زمان سلطان سنجر، حاکم خراسان و نواحی اطراف آن بوده است که پس از مرگ پدرش - سلطان ملکشاه سلجوقی - بر خراسان و اطراف آن حکومت یافت. همچنین «ابوالقاسم علی بن سعید» که ساخت میل خسروگرد به دستور وی صورت گرفته، در این زمان نایب وزیر سلطان سنجر بوده است. در این باره در تاریخ بیهق می‌نویسد: «وزیر تاج الدوله ابوالقاسم احمد بن عبدالله بیهقی که وزیر خوارزم بود، و آنجا او را عمارات و جامع و آثار بسیار است و در جامع قصبه این صفه که روی در قبله (رو به قبله) دارد. او فرموده است از مال غز و خوارزم»^{۱۰۵} و در جای دیگر «مقبل الملك» را لقبی برای: «احمد بن علی بن خواجه زیادی»^{۱۰۶} و «علی بن حسین بن احمد زیادی»^{۱۰۷} می‌داند.

بنابر مضمون کتیبه، این مناره به دستور «ابوالقاسم بن سعید» که در آن زمان دارای دولت و مکتب بود- ساخته شده و از جمله بناهای یادمانی خراسان است. اما یادمانی بودن بنا تنها کاربری آن نیست، بلکه باستناد متون تاریخی، شواهد پیرامون بنا و موقعیت جغرافیایی که منطقه دارد به عنوان میل راهنما و محلی برای روشن بودن آتش و نور نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

بر روی این کتیبه دو رج آجر خفته کار شده، سپس یک رج آجر تراش با نقش مستطیل در وسط و دو لوزی در طرفین و بر روی این آجر تراش دو رج آجر خفته کار شده است، سپس یک باند تزئینی آجر تراش به شرح زیر می‌باشد: گوشه‌های آجر را در جهت طول آن با زاویه ۴۵ درجه تراش داده‌اند، سپس دو سانتی متر از وسط آجر را به شکل بیضی کم عمق تراش داده‌اند. و از ترکیب این آجرهای تراش با یکدیگر اشکال بیضی، لوزی و مثلث ساخته‌اند که چشم‌نوازی خوبی دارد. «تیت» شباهت این مناره با میل قاسم‌آباد سیستان و مناره خسرو گرد سبزوار را در آجرکاری آن‌ها دانسته و هر دو را دارای سبک سلجوقی می‌داند.^{۱۰۸}

بعد از اتمام باند آجرهای تراش، دو رگ آجر خفته کار شده، روی آن یک رگ آجر تراش با تزئینات مستطیل در وسط آجر و در طرفین مستطیل لوزی کار شده، که روی این رگ دو رج آجر خفته قرار گرفته است و سپس قسمتی از ساقه که با تزئینات لوزی به صورت خفته راسته اجرا شده قرار گرفته است. وسط لوزی آجرهای تراش شکل مربع و لوزی دیده می‌شود. که تشکیل یک «شمسه» را داده‌اند. به طور کلی در این قسمت ساقه، ۴۰ رگ آجر کار شده که از ترکیب این آجرها به صورت خفته و راسته در شکل لوزی کامل شمشه‌ای آجر تراش به شکل لوزی گرفته و اجرا شده است هم چنین دو نیم لوزی یا مثلث متساوی الاضلاع در قسمت پایین و بالای این قسمت از ساقه ایجاد شده است. در بدنه این قسمت روزنه‌ی نور گیر پله‌ها، با استادی تمام کار شده، به گونه‌ای که در اشکال هندسی این روزنه‌ها کم و کاستی ایجاد نکرده است.

بعد از اتمام آجر کاری خفته راسته دو رگ آجر خفته کار شده، به این وسیله زمینه اجرای یک باند تزئینی آجر تراش که حاشیه بسیار زیبایی برای کتیبه دیگر میل دارد، ایجاد شده است.^{۱۰۹} شاید بتوان گفت: این نوع کار آجر تراش‌ها در حاشیه کتیبه نوعی تذهیب برای کتیبه باشد. بر روی این باند آجر تراش دو رگ آجر خفته قرار گرفته، سپس کتیبه کوفی اجرا شده است.

در کتیبه دوم مناره؛ تزیینات مانند کتیبه پیشین است. بر روی این کتیبه دو رج آجر خفته، سپس چهار رگ آجر تراش کار شده است.

بر روی این آجرهای تراش تزیینی ۴۰ رگ آجر به صورت خفته راسته کار شده که از ترکیب این نوع کار، اشکال لوزی بدست آمده است، این قسمت از میل، برخلاف قسمت پایین آن که از آجرهای خفته راسته موازی با یکدیگر تشکیل شده، پس از اتمام آجرهای خفته راسته سه رگ آجر خفته کار شده است. و بر روی این آجر کاری معمولی ۱۵ رگ آجر کاری شده که در حال حاضر به علت تخریب آجرها ترسیم شکل آجرکاری مقدور نیست. بر روی این محل سیزده رگ آجر خفته دیگر قرار گرفته است. لیکن باید گفت: این محل نسبت به قسمت زیرین خود قطرش بیشتر است. در بدنه میل روزنه‌هایی جهت تامین نور پله‌ها تعبیه شده است. پله بندی‌های میل خسروگرد از داخل متکی به بنا است و به صورت حلزونی تا راس ادامه دارد.

5. میل کرات

روستای کرات در 52 کیلومتری جنوب غربی تایباد به خوف و بر کناره راهی قدیمی قرار دارد و از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. به فاصله کمی از روستای کرات منطقه‌ای باستانی وجود دارد که مسلماً آبادی قدیمی کرات در آنجا قرار داشته است. بنای مناره‌ای در آن نقطه بر جای مانده است که به «میل کرات» معروف است.

ساقه میل به ارتفاع 25 متر دارای ساختاری دو قسمتی است که نمای ظاهری آن در بخش تحتانی (پایه میل) با بلندی 15 متر به صورت هشت ضلعی و بخش فوقانی آن استوانه‌ای است. در بخش انتهایی ساقه هشت ضلعی، بقایایی از تزیینات موسوم به «شرفه» به چشم می‌خورد. همچنین در بخش میانی بنا، کتیبه‌ای به خط کوفی در نواری عریض اطراف میل را فرا گرفته که متأسفانه بر اثر عوامل طبیعی به شدت آسیب دیده است. بخشی از تزیینات آن نیز گره چینی‌های آجری است که زیبایی خاصی به بنای میل بخشیده است. ظاهراً این بنا از وضعیت قائم خارج بوده و قدری کج به نظر می‌رسد. علاوه بر آن در ضلع جنوب غربی میل، در گاهی است که محل دسترسی و ارتباطی به داخل میل بوده است. میل تاریخی کرات اسلوب معماری قرن 5 هـ. ق. دوره سلجوقی را به همراه دارد.

تزیینات مختلف آجرکاری و آجر تراش به همراه کتیبه آجری، سطح قسمت هشت ضلعی آن را تزیین داده است و در قسمت دایره‌ای شکل آن شاهد کار کردن آجر به صورت رگ چین هستیم. اما تزیینات آجری در قسمت هشت ضلعی تا میانه‌های میل کشیده شده‌اند و به صورت نوارهای مجزا و با اندازه‌های مختلف اجرا شده‌اند. پائین دیوارها به صورت رگ چین کار شده و با توجه به ظاهر امر، بیشتر آنها مرمتی می‌باشد، در بالای این سطح (در ارتفاع 2 متری) یک نوار به عرض چهار سانتی متر با برجسته کار کردن آجرهای پائین و بالای آن ایجاد شده است که فضای بین آن با تزیین آجر و آجر تراش به صورت برجسته و فرو رفته کار کردن آجرها پر شده است. در این قسمت نقوش هندسی ساده‌ای ایجاد شده است. در بالای این نوار یک قسمت پهن به صورت آجر رگ چین اجرا گردیده که به دلیل فاصله‌ی میان آجرها و بندکشی پهن آنها حالتی زیبا به آن داده است. در بالای این سطح یک نوار دیگر با عرض 40 سانتی متر قرار دارد که قاعده هشت ضلعی بنا در این محل کمی کوچکتر شده تا سازه حالت ایستائی بهتری پیدا کند.

مضمون کتیبه کوفی معقلی (آجری) میل کرات

در سطح میل، بخش‌هایی از قسمتی که دارای کتیبه‌های آجری می‌باشد. متأسفانه از بین رفته است. نوار بعدی مانند نوار پائین کتیبه است ولی نوع نقش آن متفاوت بوده و عرض آن نیز کمتر می‌باشد. بر بالای این نوار شاهد کاربرد آجر تراش به سبکی خاص هستیم که بر روی هر ضلع به صورت قابهای مجزا اجرا شده و ارتفاعی حدود $1/5$ متر دارد. در این قسمت آجرهای تراش طوری کار شده‌اند که فضای ایجاد شده بین آنها به شکل یک شمشه در آمده است و زیبایی خاصی را به بیننده القا می‌کند. یک نوار به عرض حدود 30 سانتی متر به شیوه نوارهای پائینی با برجسته کار کردن آجرهای تراش از دیگر تزیینات این بنا می‌باشد. سطح بالائی این نوار آخرین قسمت تزیینی هشت ضلعی بنا می‌باشد. این بخش با شبه ستون‌های برجسته آجری به عرض یک آجر (10 سانتی متر) در وسط و گوشه‌های اضلاع اجرا شده است. این ستون نماها، سطوح هشت ضلعی را به 16 قسمت تقسیم کرده‌اند و با بیرون زدگی آجرهای بالائی موجب شکل گیری سر ستون‌ها شده‌اند. سطح بین این ستون نماها با آجرکاری جفتی بصورت خفته تزیین شده است و سطح ستون نماها، آجرکاری جفتی خفته و راسته (روی هم) دارد.¹¹ (تصویر شم).

متأسفانه با توجه به تخریب‌های ایجاد شده متن کتیبه بنا قابل خواندن نیست.

تزیینات آجرکاری این بنا به واسطه ایجاد مشکل سازه‌ای و نشست بنا دچار آسیب‌های فراوانی گشته و موجب ریختگی بخش‌هایی از این تزیینات شده است. خوشبختانه بنا مورد مرمت قرار گرفته و از تخریب تمامی آن جلوگیری شده است. در هنگام مرمت سازه، خصوصاً در قسمت آجر چینی رگ چین پایین مناره، مرمتگران مجبور به استفاده از آجرکاری رگ چین به صورتی شده‌اند که علاوه بر حفظ ایستائی بنا حالت رگ چین بودن آن نیز تقریباً حفظ گردیده است. در قسمت‌هایی نسبت به پرکردن فضاهای خالی آجرها با آجرهای جدید اقدام شده تا حالت کلی تزیینات حفظ گردد. در قسمت کتیبه نیز تنها استحکام بخشی آجرهای باقی مانده انجام شده است، در حال حاضر مشکل آسیب‌ها مربوط به آلودگی‌ها و چرکی‌های سطحی است و در پایین بنا که مرمت نیز شده است، لکه‌های رطوبتی و به طبع آن ریختگی بندکشی‌ها و پوسیدگی آجرها مشاهده می‌شود.

با توجه به شواهد باقی مانده از آجرهای کتیبه می‌توان به مضامین قرآنی داشتن بنا احتمال بیشتری داد و از سوی دیگر همزمانی بنا با بناهای دیگر خراسان با این موضوع کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری

مناره‌ها در کنار مساجد و بقاع متبرکه جهت اذان‌گویی و یا به عنوان میل راهنما در کنار جاده‌ها، مساجد، کاروانسراها، مدارس و دارالضیافه‌ها احداث می‌گردید. این سازه به علت روشن نمودن چراغ یا آتش بر فراز آن، جهت راهنمایی در شب به مناره یا محل نور مرسوم شد و در دوره اسلامی احداث مناره بویژه در زمان خلافت امویان گسترش بیشتری یافت. مناره‌ها در آغاز به صورت منفرد و در مجاورت مساجد ساخته می‌شدند که از دوره سلجوقی به بعد تدریجاً به صورت زوج بر سردر ورودی و یا برای بان اصلی بنا احداث گردیدند. مناره‌ها به لحاظ معماری از سه قسمت اصلی؛ پایه، ساقه یا بدنه و کلاهک یا تاج و بخش‌های فرعی مانند پلکان و نورگیر تشکیل می‌شوند، بیشتر مناره‌های ایرانی استوانه‌ای و با اشکال هندسی شبیه منشور ساخته شدند که جلوه‌گاه مجموعه‌ای از هنرهای تزیینی مانند: خطاطی، کاشی‌کاری، آجرکاری، مقرنس‌کاری و نقوش هندسی‌اند. مناره‌ها برای استفاده‌های مذهبی، راهنمای راه‌ها و به عنوان نمادی از پیروزی کاربرد داشتند.

کتیبه‌های مناره‌ها با تبلیغ دین اسلام، علاوه بر دعوت مردم به سوی خدا بر عمل، نشاط تسلیم و رضا، در طاعت الهی نقش بسزایی داشتند که نمادی از مسلمانی را به نمایش گذاشته و به کارگیری

شهادتین را در بناها رسمیت داده و آن را از درون دل‌ها، خانه‌ها و مجالس به بیرون کشیده و به صورت یک تابلویی جاوید در معرض دید عموم و رهگذران قرار داده‌اند که توانسته‌اند نمادهایی از مذهب شیعه را در بناها رسمیت بدهند.

میل، مناره‌های خراسان هم چون سایر بناها با سازه‌های معماری و تزئینات منحصر به فرد خود با اهدافی، یادمانی، وقفی و غیره بنا شدند که بر حسب موقعیت جغرافیایی منطقه به عنوان میل راهنما و محلی برای روشن بودن آتش و نور نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند.



یادداشت‌ها:

- 1- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران: امیرکبیر، 1375، ص 1214.
- 2- کیانی، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، تهران: موزه سمت، 1374، ص 322؛ رضانی، وحیده، «بررسی وضعیت معماری در ایران با تاکید بر مفهوم و کاربری بناها، بخش دوم»، تاریخ پژوهی، سال 7، ش 24 و 25، پاییز و زمستان 1384، صص 14-43 و 21.
- 3- کیانی، همان، صص 324-323.
- 4- فریشلر، کورت، امام حسین و ایران، ترجمه ذبیح الله منصوری، تهران: انتشارات جاویدان، 1369، ص 547.
- 5- غفاری، علی اکبر، تعلیقات بر تهذیب الاحکام شیخ طوسی، چاپ مکتب الصدوق، کتاب الصلاة، باب اذان و اقامه، ح 1134، ج 2، ص 307.
- 6- همان، ج 2، ص 63.
- 7- مقریزی بنای نخستین مناره را به معاویه نسبت داده است که آن را به تقلید از برج‌های کلیساهای دمشق ساخته بود (مقریزی، تقی الدین احمد بن علی، الخطط المقریزیه، المساه بالمواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، لبنان: منشورات دارالعرف لبنان، ج 3، ص 191؛ ارنست کونل نوشته است: «احتمال می‌رود که مسلمانان آن را به تقلید از برج‌های آژیر بابل یا روم ساخته باشند»، کونل، ارنست، هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران: انتشارات توس، 1355، ص 13.
- 8- همان، ص 21.
- 9- همان، ص 325.
- 10- گدار، آثار ایران، ترجمه ابوالقاسم سرفرد مقدم، ج 5، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، 1387، ص 153.
- 11- هوگ، جان؛ هانری، مارتن، سبک‌شناسی هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی، ترجمه پرویز ورجاوند، تهران: دانشگاه تهران، 1348، ص 31.
- 12- رضانی، وحیده، «بررسی وضعیت معماری در ایران با تاکید بر مفهوم و کاربری بناها»، بخش دوم، تاریخ پژوهی، سال 7، ش 24 و 25، پاییز و زمستان 1384، صص 14-43 و 23.
- 13- کیانی، همان، صص 328-326.
- 14- همان، ص 702.
- 15- جوادی، آسیه، معماری ایران، تهران: مجرد، 1363، ص 702.
- 16- هوگ، ج؛ هانری، مارتن، سبک‌شناسی هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی، ترجمه پرویز ورجاوند، تهران: دانشگاه تهران، 1348، ص 31.

- 17- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴، ج 6، ص 221.
- 18- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر (قاموس المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی)، بیروت: دارالفکر، ۱۳۸۹، ص 139.
- 19- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، به تحقیق عبدالسلام هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ج 1، ص 238.
- 20- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)، بیروت: دار العلم للملایین، ج 1، ص 299.
- 21- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالفکر چاپ و نشر، 1412، ج 1، ص 359.
- 22- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج 12، ص 265.
- 23- طبری، محمدبن جریر، تفسیر طبری (جامع البیان فی تفسیر القرآن)، بیروت: دارالمعرفت، 1412، ج 10، ص 17 و 238-239.
- 24- کلایس، ولفرام، قلاع در معماری ایران: دوره اسلامی، ترجمه علیرضا مهینی، چاپ محمدیوسف کیانی، تهران: 1366، ص 105.
- 25- پوپ، آرتور ایهام، معماری ایران: پیروزی شکل و رنگ، ترجمه کرامت الله افسر، تهران: یساولی، 1365، ج 1، ص 92-91.
- 26- حموی، یاقوت، معجم البلدان، تهران: چاپ افست، 1965، ص 838.
- 27- اشپولر، بارتولد، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: بی نا، 1369، ج 2، ص 391.
- 28- کیانی، همان، ص 21.
- 29- زکی، محمد حسن، تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه محمد خلیلی، تهران: اقبال، 1363، ص 52.
- 30- جوادی، همان، ص 702-708.
- 31- کیانی، همان، ص 21.
- 32- جوادی، همان، ص 702.
- 33- کیانی، همان، ص 332-335.
- 34- گردیزی، عبدالحی، زین الاخبار، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، 1347، ص 384-385.
- 35- ابن فندق، علی بن زید بیهقی، تاریخ بیهقی، چاپ احمد بهمنیار، تهران: بی نا، 1345، ص 169 و 106.
- 36- همان، ص 805 و 756 و 506.

- 37- سلیم، غلامرضا، محمودغزنوی سرآغاز واپسگرایی در ایران، تهران: بی‌نا، 1383، ص 245.
- 38- بیات، عزیز الله، کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، تهران، 1367، ص 144.
- 39- بینش، تقی، «رابطه معماری حرم مطهر رضوی با بقعه سنگ بست»، نامه آستان قدس، ش 39، 1352، ص 55 و 64.
- 40- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه فردوسی، تهران: امیر کبیر، 1369، مقدمه.
- 41- لباف خانیکی، رجبعلی و دیگران، کاروانسراهای خراسان، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، 1392، ص 312.
- 42- راوندی، محمد، راحة الصدور و آیه السرور (تاریخ آل سلجوق)، ترجمه محمد اقبال، تهران: امیر کبیر، 1364، ص 93؛ رشیدالدین فضل اله، جامع التواریخ، ج 1، تهران: میراث مکتوب، 1386، ص 258.
- 43- پوپ، آرتور ابهام، بررسی هنر ایران (صنایع ایران در گذشته و آینده، ترجمه عیسی صدیق، تهران: مدرسه عالی خدمات جهانگردی و اطلاعات، 1355، ج 3، ص 1820.
- 44- ernest diez
- 45- max van berchem
- 46- قرآن کریم، سوره فصلت، آیه 33.
- 47- قرآنی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، 1383، ج 8، ص 338.
- 48- سوردل، دومینینگ؛ جانین سوردل، تومین، «بناهای سنگ بست»، مجله جستور، سایت جستور، ص 111.
- 49- قرآنی، همان، ج 8، ص 338.
- 50- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، نشر معارف اهل البیت (ع)، ج 22، ص 59.
- 51- سوردل، همان، ص 111.
- 52- مولوی، عبدالحمید، آثار باستانی خراسان، تهران: بی‌نا، 1353، ص 43.
- 53- انصاریان، حسین، ترجمه قرآن، قم: اسوه، 1383، سوره بقره، آیه 258.
- 54- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، به تحقیق محمدباقر محمودی، عبدالزهره علوی، قم: داراحیاء تراث عربی، بی‌تا، ج 93، ص 196.
- 55- همان، ج 3، ص 7.
- 56- قرآنی، همان، ج 1، ص 400.
- 57- سوردل، همان، ص 113.
- 58- رزم آرا، حسین علی، فرهنگ جغرافیایی ایران (آبادی‌ها)، تهران: بی‌نا، 1355، ج 9، ص 287؛ مشکوتی، نصرت الله، فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، تهران: آثار باستانی ایران، 1349، ص 91.

- 59- صیاد شهری، حامد، گزارش بررسی و شناسایی حفاظتی و مرمتی تزیینات وابسته به معماری، 1385/9/20.
- 60- حسینی، احمد، تاریخ بردسکن، ج 1، 1382، ص 201.
- 61- قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه 18.
- 62- قرائتی، همان، ج 1، ص 483.
- 63- قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه 18. (برای توضیحات تکمیلی به مضمون کتیبه قبلی مناره فیروزآباد رجوع کنید).
- 64- غروی، محمد، آدم از نظر قرآن، تهران: نشرنگارش، 1384، ج 3، ص 441.
- 65- قرائتی، همان، ج 1، ص 399.
- 66- ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ج 2، قم: دار شریف رضی، 1406، ص 20.
- 67- مجلسی، همان، ج 93، ص 196.
- 68- همان، ج 3، ص 7.
- 69- قرائتی، همان، ج 1، ص 400.
- 70- مکی، حسین، وقایع سیام تیر 1331، با تجدید نظر و اضافات، تهران: بی‌نا، 1336، ص 223؛ عراقی، مهدی، ناگفته‌ها، خاطرات شهید مهدی عراقی، پاریس: بی‌نا، 1357، ص 59؛ موحد، محمدعلی، خواب آشفته نفت، مصدق و نهضت ملی ایران، بی‌نا، 1378، ج 2، ص 764/6.
- 71- مشکوتی، همان، ص 157.
- 72- بیهقی، محمد، تاریخ بیهقی با معنی واژه‌ها، ج 4، تهران: مهتاب، 1374، ج 3، ص 49-53.
- 73- محمدی، مریم، مسجدپامانار، 1378، ج 2، ص 132.
- 74- پادشاه بلغار منظور فرمانروای شهری بوده است که در دامنه کوه‌های اورال یا اورال (شمال دریاچه خزر) قرار داشته است که مردم آن شهر مسلمان بوده‌اند و نباید با نام کشور بلغارستان اشتباه کرد. (اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول، ص 109).
- 75- بیهقی، همان، صص 52-53؛ امین، علی‌نقی، «مساجد و مدارس سبزواری»، مجله وحید، دوره 12، ش 12، ص 940/50.
- 76- امین، همان، ص 949-950.
- 77- امین، حسن، «ادبیات و زبان‌ها»، مجله حافظ، ش 42، تیرماه 1386، ص 30.
- 78- همان، ص 30.
- 79- امین، علی‌نقی، «مساجد و مدارس سبزواری»، مجله وحید، دوره 12، ش 12، ص 940/50.
- 80- اعتمادالسلطنه، محمد حسن، مطلع الشمس، چاپ تیمور برهان لیمودهی، تهران: افست، 1362، ج 3، ص 208.

- 81- امین، حسن، «منارجنبان سبزوار»، مجله وحید، دوره 12، ش 11، بهمن 1353، صص 873 - 874.
- 82- اعتمادالسلطنه، همان، ج 3، صص 949-950.
- 83- امین، همان، ص 950.
- 84- شایسته فر، مهناز، «کتیبه‌های اسلامی (تجلی کلمه علی) در تزیین معماری»، 1380، ص 73.
- 85- همان، ص 70.
- 86- کلینی، اصول کافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵، ج 8، ص 305؛ شیخ صدوق، معانی الأخبار، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۱، ص 125.
- 87- ابوالقاسم، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰، ج 7، ص 56.
- 88- سیاپوش، بهنود، (گزارش بررسی و شناسایی حفاظتی و مرمتی تزیینات وابسته به معماری)، 1384/11/28.
- 89- رنه دالمانی، هانری، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه فره وش، تهران: امیرکبیر، 1335، ص 125.
- 90- مولوی، همان، ج 4، ص 83.
- 91- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، مرات البلدان، عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران، 1300، ج 3، ص 8 و 222.
- 92- عبدالله زاده ثانی، محمد، «گذری بر تاریخ چهارهزار ساله سبزوار»، هفته نامه واژگان زمین، س 1، ش ۳۷-۳۳، ص ۳.
- 93- ابن فندق، همان، ص 41.
- 94- تاریخ بیهقی، مقدمه قزوینی، انتشارات فروغی، ص ۴۳.
- 95- رزم‌آرا، فرهنگ جغرافیایی ایران، تهران: 1355، ج 9، ص 150.
- 96- مولوی، همان، ج 1، ص ۴۸۹؛ مشکوتی، همان، ص 88.
- 97- مشکوتی، همان، ص ۸۸.
- 98- اسمیت، جان مالون، خروج و مروج سریداران، ترجمه یعقوب آژند، لندن، 1825، ص ۶۸.
- 99- لردکرزن، ناتانیل، ایران و قضیه ایران، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۱، ص 48.
- 100- رنه دالمانی، همان، ص 57.
- 101- طاهری، ابوالقاسم، جغرافیای تاریخی خراسان از نظر جهانگردان، تهران: شورای مرکزی، 1348، ص 159.
- 102- اعتمادالسلطنه، 1362، ج 2، ص 46.
- 103- عبدالله زاده ثانی، همان، ص 34.

- 104- شریعتی، علی، راهنمای خراسان، تهران: انتشارات سازمان جلب سیاحان، 1345، ص 164؛ بیهقی، حسینعلی، «خسروگرد»، نامه آستان قدس، ش 1، دوره 12، ص 142.
- 105- ابن فندق، همان، ج 6، ص 265؛ تاریخ بیهقی (به زبان عربی)، ترجمه یوسف هادی، ص 477.
- 106- همان، ص 192.
- 107- همان، ص 192.
- 108- تیت، جی. پی، سیستان، ترجمه غلامعلی رئیس‌الذاکرین، سیستان: انتشارات ارشاد اسلامی، 1362، ص 162-167.
- 109- طرز ساخت آجر تراش این باند و طرز کار آن. ابتدا آجرهای تراش که به صورت علامه سه یا کلاه الف است تراش داده شده سپس یک رج از این آجرهای تراش کار شده و بر روی این رج آجرهای تراش به صورت نیم دایره و مثلث کار شده است از ترکیب و آجر تراش نیم دایره تشکیل دایره کامل داده شده است بر روی این رج آجر تراش آجرهای تراشی معکوس آجرهای زیرین کار شده است.
- 110- بهنود، سیاپوش، (گزارش بررسی و شناسایی حفاظتی و مرمتی تزیینات وابسته به معماری)، 1384/11/28.

